

وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد

دکتر مرجان قطبی ، دکتر کوروش هلاکوبی نایینی ،
دکتر ابوالقاسم جزایری ، دکتر عباس رحیمی

براساس ارزیابی جامعه منطقه دولت آباد، مشکلات عمده‌ای شامل بحران بلوغ، کودکان خیابانی، مشکلات خانوادگی، مسائل تربیتی بچه‌ها و افزایش پدیده طلاق به‌عنوان مشکلات خاص منطقه مطرح شد و وضعیت طلاق به‌منظور ارائه اطلاعات به مشاوران و مقامات مسئول همچنین برای دستیابی به مهم‌ترین روش‌های پیش‌گیری و حل مهم‌ترین مشکلات پس از آن بررسی و انتخاب شد. در این بررسی ضمن بهره‌گیری از روش مصاحبه با افراد مطلقه و تکمیل پرسشنامه، تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر مدت زندگی مشترک و مشکلات پس از طلاق با استفاده از روش آزمون بقا Kaplan-Meier و تست log-rank مورد مطالعه قرار گرفت. از بین ۴۵ زن و ۲۴ مرد شرکت‌کننده در مطالعه، بیش‌ترین فراوانی گروه سنی آن‌ها در محدوده ۲۶ تا ۳۵ سال و میانگین مدت زندگی مشترک ۶۲ ماه (با انحراف معیار ۶۸/۲) بوده است. میانگین سنی هنگام طلاق در زنان ۲۴/۶±۲/۶ و در مردان ۲۹/۸±۳ سال بوده است. تحلیل آزمون بقا نشان داد

پزشک، MPH، مسئول گروه پیش‌گیری و مبارزه با بیماری‌های مرکز بهداشت غرب تهران.
<mdmgh2002@yahoo.com>
متخصص اپیدمیولوژی، دانشیار گروه اپیدمیولوژی، معاون انستیتو تحقیقات بهداشتی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
متخصص تغذیه و علوم غذایی، استاد گروه تغذیه، معاون آموزشی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
متخصص آمار حیاتی و مربی گروه آمار، اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.

که احتمال رخداد طلاق پس از ۱۰۰ ماه زندگی مشترک در افرادی که ازدواج احتمالی را به عنوان یک عامل مهم منجر به طلاق ذکر کرده‌اند حدود ۹۹ درصد و در افرادی که این عامل در طلاق آن‌ها نقشی نداشته است ۲۲ درصد بوده است. گروه سنی افراد مطالعه شده، میانگین سنی هنگام طلاق، تعداد فرزندان زوجین، شیوه آشنایی (از بین متغیرهای زمینه‌ای) و ازدواج احتمالی (از بین علل منجر به طلاق)، با میانگین مدت زندگی مشترک ارتباط آماری معنی‌داری داشته است. پس از طلاق زنان بیش‌تر با والدین و مردان بیش‌تر به تنهایی زندگی می‌کردند. عدم تفاهم اخلاقی (۸۳ درصد)، اعتیاد (۴۲ درصد) و دخالت خانواده‌ها (۳۳ درصد) شایع‌ترین عوامل منجر به طلاق بوده‌اند. مشکلات مالی (۳۰ درصد) و بیماری‌های روانی (۲۴ درصد) موارد بعدی هستند. از بین مشکلات پس از طلاق، مشکلات تربیت فرزندان و احساس تنهایی در گروه‌های سنی بالاتر شایع‌تر بوده است. وجود مشکلات تربیتی فرزندان با تعداد آن‌ها ارتباط مستقیمی داشت. شدت مشکلات در ازدواج‌های فامیلی کم‌تر از سایر موارد بوده است. عدم امنیت اجتماعی در زنان بارزتر و احساس افسردگی در مردان شایع‌تر بوده است. به نظر افراد تحت مطالعه، بهترین راه پیشگیری از طلاق، انتخاب درست همسر است و روش بعدی را مشاوره با متخصصان ذکر کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: ایران، دولت آباد، طلاق

مقدمه

محله دولت آباد به دلیل بافت خاص جمعیتی، مهاجرپذیری و فرهنگ اجتماعی ویژه آن، در تابستان ۱۳۸۲ به عنوان منطقه انتخابی مورد مطالعه گروه کارآموزی دوره MPH مورد توجه قرار گرفت. براساس یافته‌های ارزیابی جامعه، آسیب‌های اجتماعی، مشکلات بلوغ جوانان و اختلاف‌های خانوادگی از مهم‌ترین مشکلات این منطقه محسوب می‌شود که همگی مرتبط با عدم انسجام خانوادگی هستند. ضمن این که مشکلات دیگری نظیر

بی‌توجهی به تغذیه و تربیت کودکان نیز در این منطقه دیده می‌شد که می‌تواند به نوعی با مشکلات خانوادگی منجر به طلاق، در ارتباط باشد. بنابراین پدیده طلاق به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای ایجاد بحران اجتماعی در منطقه، در کانون توجه قرار گرفت.

تحقیق حاضر با توجه به روند رو به رشد طلاق در کشور بخصوص در جوامع شهری و در حاشیه شهرها، شکل گرفت و براساس نیاز مطالعه‌ای به منظور بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق مورد توجه واقع شد. در این تحقیق ضمن بررسی مشخصات فردی و خانوادگی گروه مطلقه ساکن منطقه دولت‌آباد تهران نظیر سن، تحصیلات و شغل، دیدگاه‌های مختلف آن‌ها در خصوص پدیده طلاق (از نظر علل، عواقب و نوع نگرش فردی به آن) جمع‌آوری شده است. بررسی نظریه شخصی و مشکلات فعلی افرادی که از نزدیک با این واقعه برخورد داشته‌اند و مطالعه راه‌کارهای پیش‌گیری آن از زبان خودشان، می‌تواند در ارائه پیشنهاداتی برای کاهش مشکلات ناشی از طلاق در جامعه و مهم‌تر از آن راه‌کارهایی برای پیش‌گیری طلاق مؤثر باشد. ضمن این که انعکاس این نظریات و راه‌کارها می‌تواند برای پرداختن به معضلات جامعه حاشیه‌نشین - که امروزه همچنان در حال رشد و توسعه است - استفاده شود.

(۱) اهمیت موضوع

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام‌های خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی مواجه کرده و طی همین مدت خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته است. وقتی کارکردهای خانواده، از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت‌مندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود (پل. ر. آماتو، ۱۹۹۸).

طلاق با تمام کم و کاستی‌اش، مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار می‌رود و شناخت عوامل مؤثر و متأثر از آن از اولویت‌های بهداشت روان به شمار می‌آید. طلاق اگرچه به چاره‌سازی یک ازدواج اشتباه یا حفظ بقایای یک خانواده از هم پاشیده، پا در میان می‌گذارد اما هم چون توفانی آشیانه کودکان را در هم می‌کوبد، قامت زن را می‌شکند و مرد را به زانو درمی‌آورد. این توفان، خود زائیده ناروایی‌های دیگری است که هیچ‌یک اجتناب‌ناپذیر نیستند. علل طلاق در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ضعف در برقراری ارتباطات، مشکلات مالی، نداشتن احساس مسئولیت، بی‌وفایی و خیانت، برآورده نشدن انتظارات، اعتیاد و سوءمصرف مواد، سوءاستفاده جنسی فیزیکی یا روحی و نداشتن توانایی حل مشکل ذکر شده است (Driscoll, 1996). تعداد کودکان طلاق در آمریکا از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۲ به ۷ برابر (Kenniston 1977) و تعداد کودکان زیر ۱۸ سال تک‌والدی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۶ از ۱۲ درصد به ۲۸ درصد رسیده است (saulter & Lugaila 1998). ازدواج مجدد پس از طلاق نیز امر رایجی است؛ به طوری که بیش از نیمی از افراد مطلقه مجدداً ازدواج می‌کنند. اما آمار جدایی در این وصلت‌ها نیز بسیار بالاست. در نتیجه از هر ۶ بزرگ‌سال یک نفر دوبار طلاق را تجربه می‌کند. براساس گزارش اداره ثبت اسناد آمریکا در سال ۱۹۹۸ هر سال بیش از یک میلیون کودک طلاق را تجربه می‌کنند که نیمی از آن‌ها زیر ۱۸ سال سن دارند (saulter & Lugaila 1998). نرخ بالای طلاق و نیز افزایش میزان تولد در میان افرادی که بدون ازدواج رسمی با هم زندگی می‌کنند، به این معناست که حداقل نیمی از بچه‌ها باید در خانواده‌ای تک‌والدی (که معمولاً در آن فقط مادر حضور دارد) زندگی کنند. از هر هفت کودک، یک نفر با یک والد و یک والدخوانده، و از هر سه کودک، یک نفر تا پیش از سن نوزده سالگی با والدخوانده زندگی می‌کند. در کانادا میزان طلاق در عرض ۳۰ سال گذشته به ۶ برابر رسیده است و حدود یک سوم ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود. همچنین یک پنجم کودکان در خانواده‌های از هم گسسته زندگی می‌کنند (Rotheisler, 1997).

۲) روش مطالعه

۲-۱) نوع مطالعه

این طرح بصورت مطالعه مقطعی (Cross sectional) در میان جمعیت ساکن در منطقه دولت‌آباد طراحی و اجرا شده است.

۲-۲) روش نمونه‌گیری

براساس ارزیابی منطقه و امکانات و توانمندی‌های موجود، روش نمونه‌گیری بر مبنای منطقه تحت پوشش هر رابط بهداشتی مرکز بهداشت درمانی شهید یغمایی و رابطین دیگری که در سطح منطقه (خارج از محدوده طرح رابطین) انتخاب شده‌اند، به کار بسته شده و براساس فرمول $N = \frac{(Z_{1-\alpha/2})^2 P(1-p)}{d^2}$ و با محاسبه $\alpha = 0.05$ و $P = 1/3d$ و $P = 0.025$ و با اعمال ضریب جامعه محدود، حجم نمونه، ۴۹ مورد تعیین شده است، اما در طی مطالعه کلیه افرادی که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند بررسی شده‌اند (۶۹ مورد).

۲-۳) جمعیت مورد مطالعه

افراد مطلقه، در منطقه دولت‌آباد ساکن هستند که به کمک رابطین طرح، شناسایی شده و برای تکمیل پرسشنامه اعلام رضایت و آمادگی کرده‌اند.

۲-۴) متغیرها

مدت زندگی مشترک به عنوان متغیر وابسته اصلی در نظر گرفته شد و سپس با عوامل زمینه‌ای (جنس، گروه سنی، شغل، میزان تحصیلات، نحوه آشنایی، تعداد فرزندان، علت متارکه، نحوه متارکه و سن هنگام طلاق) بررسی شد. متغیرهای وابسته فرعی (وضعیت زندگی فعلی، رضایت از شرایط فعلی زندگی، مشکلات پس از طلاق و ارائه راه کارهای پیش‌گیری از طلاق) در مرحله دوم ارتباط آن‌ها با عوامل زمینه‌ای که خود با متغیر وابسته اصلی ارتباط معنی‌داری داشتند، بررسی شدند.

۲-۵) روش اجرا

قبل از اجرای طرح اصلی، ۱۰ پرسشنامه برای آزمون اولیه بین رابطان بهداشتی مرکز بهداشتی درمانی توزیع شد و براساس نتایج آن، پرسشنامه اولیه مجدداً ارزیابی و تصحیح شد. پس از تصحیح نهایی، به تعداد سه برابر حجم نمونه، پرسشنامه تکثیر و بین رابطان توزیع شد. رابطان اجرایی طی مصاحبه اولیه با افراد مطلقاً شناسایی شده، در صورت رضایت آنها، پرسشنامه طرح را بین آنها توزیع کرده و پس از دریافت پرسشنامه تکمیل شده در پاکت‌های دربسته، آنها را به صورت محرمانه جمع‌آوری و در فواصل زمان‌بندی شده به محقق تحویل دادند.

۲-۶) روش تحلیل

داده‌های موجود در پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده وارد برنامه نرم‌افزاری SPSS 12 شد و اطلاعات نهایی براساس اهداف طرح تحلیل و بررسی شد. برای تعیین ارتباط بین متغیر وابسته مدت زندگی مشترک با عوامل زمینه‌ای، در مرحله اول از روش آنالیز بقا Kaplan-Meier و آزمون log-rank استفاده شد و در مرحله بعدی با استفاده از آزمون χ^2 عواملی که از نظر آماری با مدت زندگی مشترک ارتباط معنی‌داری داشتند، با سایر متغیرهای وابسته (نحوه زندگی پس از طلاق و میزان رضایت از آن و ارائه راه‌کارهای پیش‌گیری از طرف گروه تحت مطالعه) مقایسه و بررسی شدند. در مواردی که فرض‌های آزمون χ^2 تأمین نبودند از آزمون Exact استفاده شد.

۳) نتایج

۴۵ زن و ۲۴ مرد پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده بودند و در یک مورد جنسیت نامشخص بود. بیش از ۴۱ درصد افراد مورد مطالعه در سنین ۲۶-۳۵ قرار داشته‌اند. سپس به ترتیب، سنین ۳۶-۴۵ و ۱۶-۲۵ قرار می‌گیرند. میانگین سنی هنگام طلاق در زنان $24/6 \pm 2/6$ و در مردان $29/8 \pm 3$ سال بوده است.

تحصیلات در مقطع دبیرستان، بیشترین فراوانی را در مردان گروه مطالعه نشان می‌دهد. پس از آن مقطع ابتدایی و سپس دیپلم به بالا قرار داشته است؛ در حالی که در زنان، تحصیلات دیپلم و بالاتر از آن بیشترین فراوانی را در میزان تحصیلات افراد تحت مطالعه نشان می‌دهد و تحصیلات ابتدایی کمترین میزان را دارا بوده است. در میان زنان تحت مطالعه، بیشترین شغل را خانه‌داری تشکیل می‌داد. و در گروه مردان افراد کارگر و یا «شغل آزاد» بیشترین فراوانی را دارا بوده‌اند. ۳۸ درصد خانوارهای تحت مطالعه فرزندی نداشته‌اند؛ ۲۶ درصد دارای یک فرزند و ۲۶ درصد دو فرزند یا بیش‌تر داشته‌اند. ۱۱ درصد موارد به این سؤال پاسخی نداده‌اند. مدت زندگی مشترک در ۳۳ درصد خانوارها بین ۱-۴ سال بوده است. پس از آن ۹-۵ سال (با ۲۰ درصد موارد) بیشترین فراوانی را داشته‌اند ۷ خانوار بیش از ۱۲۰ ماه (۱۰ سال) با هم زندگی کرده‌اند. بیشترین روش آشنایی زوجین از طریق معرفی آشنایان (۶۰ درصد موارد) بوده است. ۱۳ درصد موارد، ازدواج فامیلی و بقیه به صورت آشنایی خود زوجین (در محل کار، تحصیل یا زندگی) بوده است. حدود نیمی از موارد طلاق با تفاهم طرفین انجام شده است و ۴۳ درصد از طریق دادگاه بوده است که ۳۰ درصد به درخواست زن و ۱۳ درصد به درخواست مرد انجام شده است. ۷۵ درصد موارد سابقه طلاق در خانواده خود را ذکر نکرده‌اند. در ۱۹ درصد خانوارها این سابقه مثبت بوده است که ۱۶ درصد در بستگان درجه یک و ۳ درصد در سایر بستگان ذکر شده است.

حدود یک سوم از افراد مطالعه شده پس از طلاق به تنهایی زندگی می‌کرده‌اند. ازدواج مجدد و زندگی با والدین نیز هر یک، حدود یک سوم موارد را تشکیل می‌دهد است و نحوه زندگی پس از طلاق با $P \text{ value} = 0/014$ بین زن و مرد تفاوت داشت. زنان بیش‌تر با والدین و مردان بیش‌تر به تنهایی زندگی می‌کرده‌اند. این تفاوت در باب ازدواج مجدد بین دو جنس ارتباط معنی‌داری نشان نداده است. نیمی از افراد از وضعیت فعلی خود به طور نسبی و ۳۷ درصد از آن‌ها کاملاً رضایت داشته‌اند. ۹ درصد آن‌ها از وضعیت خود راضی نبوده‌اند و ۲ مورد (۳ درصد) به این سؤال پاسخی نداده‌اند. این متغیر نسبی تفاوتی در زن

و مرد ندارد. نیمی از افراد مطالعه شده، از طلاق به عنوان روش خوبی برای پایان دادن به مشکلات زندگی مشترک یاد کرده‌اند در حالی که حدود ۳۴ درصد آن‌ها علی‌رغم انتخاب این روش، آن را راه حل مناسبی ندانسته‌اند.

گروه سنی افراد مطالعه شده، میانگین سنی هنگام طلاق، تعداد فرزندان زوجین و شیوه آشنایی (از بین متغیرهای زمینه‌ای) و ازدواج تحمیلی (از بین علل منجر به طلاق)، با میانگین مدت زندگی مشترک ارتباط آماری معنی‌داری داشته است. نتایج بررسی و تحلیل بقا نشان داد که احتمال رخداد طلاق پس از ۱۰۰ ماه زندگی مشترک:

الف) در خانوارهای بدون فرزند و یا یک فرزند حدود ۹۹ درصد و در زوجینی که بیش از یک فرزند داشته‌اند ۲۲ درصد بوده است؛

ب) در افرادی که ازدواج تحمیلی را به عنوان یک عامل مهم منجر به طلاق ذکر کرده‌اند حدود ۹۹ درصد و در افرادی که این عامل در طلاق آن‌ها نقشی نداشته ۲۲ درصد بوده است؛

ج) در گروه‌های سنی بالای ۴۶ سال ۵۰ درصد و در گروه‌های سنی زیر ۲۵ سال ۹۰ درصد بوده است.

د) در زوجینی که از طریق معرف با هم آشنا شده بودند، ۶۰ درصد و در زوجینی که در محل کار یا تحصیل و سایر روش‌ها آشنا شده‌اند ۹۰ درصد بوده است.

در بررسی عوامل منجر به طلاق در خانوارهای تحت مطالعه، به هر عامل براساس شدت عوامل مختلف منجر به طلاق، از امتیاز ۰ تا ۲ داده شد و خانوارها در سه گروه با علل خفیف، متوسط و شدید دسته‌بندی شده‌اند. علل تخفیف در ۷ درصد علل متوسط در ۶۳ درصد و علل شدید در ۳۰ درصد خانوارها دیده شد. از بین عوامل بررسی شده، طبق اظهار ۳۱ خانوار، عدم تفاهم اخلاقی به عنوان اولین عامل منجر به طلاق، نقش بسیار موثری داشته است. پس از آن اعتیاد با ۴۷ و دخالت خانواده‌ها با ۴۳ امتیاز در رده‌های بعدی فراوانی قرار داشته‌اند. مشکلات مالی و بیماری‌های روانی نیز در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند (جدول ۱).

جدول ۱: بررسی علل منجر به طلاق در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد - تابستان ۱۳۸۲

جمع امتیاز	تعداد پاسخ‌ها			علت متارکه
	زیاد (۲)	کم (۱)	هیچ (۰)	
۷۳	۳۱	۱۱	۲۸	عدم تفاهم اخلاقی
۱۹	۷	۵	۵۸	ازدواج تحمیلی
۳۵	۱۴	۷	۴۹	مشکلات مالی
۲۵	۱۰	۵	۵۵	بیکاری مرد
۴۷	۲۳	۳	۴۴	اعتیاد
۴۳	۱۷	۹	۴۴	دخالت خانواده‌ها
۱۳	۵	۳	۶۲	مشکلات جنسی
۲	۱	۰	۶۹	نازایی یکی از زوجین
۱۲	۶	۰	۶۴	بیماری‌های جسمی
۶	۳	۰	۶۷	ازدواج دوم مرد
۱۲	۶	۰	۶۴	خیانت همسر
۲۲	۹	۴	۵۷	بیماری روانی همسر
۱۸	۴	۱۰	۵۶	بدگمانی همسر

مشکلات پس از طلاق نیز در هریک از خانوارها بررسی و براساس وجود و شدت به هر یک از مشکلات از صفر تا ۲ امتیاز داده شده است سپس وجود مشکلات به صورت خفیف (۱۷ درصد)، متوسط (۵۲ درصد) و شدید (۳۱ درصد) طبقه‌بندی شده است. احساس تنهایی و افسردگی بیش‌ترین مشکلات این افراد پس از طلاق بوده است. مشکلات مالی و تربیت فرزندان نیز در رده‌های بعدی فراوانی قرار داشته است. عدم امنیت اجتماعی با $P \text{ value} = 0/001$ در زنان بارزتر بوده و احساس افسردگی با $P \text{ value} = 0/03$ در مردان مشکل شایع‌تری بوده است. سایر مشکلات بین زن و مرد اختلاف معنی‌داری ندارد.

مشکلات تربیت فرزندان ($P \text{ value}=0/009$) و احساس تنهایی ($P \text{ value}=0/04$) در گروه‌های سنی بالاتر شایع‌تر بوده است. مشکلات تربیت فرزندان با تعداد فرزندان ارتباط معنی‌داری داشته است. ($P \text{ value}=0/000$). شدت مشکلات در ازدواج‌های فامیلی کم‌تر و در افرادی که با سایر روش‌ها آشنا شده‌اند بیشتر بوده است. نظر افراد تحت مطالعه، بهترین راه پیش‌گیری از طلاق، انتخاب درست همسر است و سپس مشاوره با متخصصان ذکر کرده‌اند. سایر روش‌ها در جدول ۲ مقایسه شده‌اند.

جدول ۲: رده‌بندی مشکلات پس از طلاق در افراد مطلقه ساکن دولت‌آباد در تابستان ۱۳۸۲

جمع امتیاز	تعداد پاسخ‌ها			مشکلات پس از طلاق
	زیاد (۲)	کم (۱)	هیچ (۰)	
۲۴	۱۰	۴	۵۶	مشکلات مالی
۳۹	۱۹	۱	۵۰	تربیت فرزندان
۵۲	۲۳	۶	۴۱	احساس افسردگی
۲۸	۱۲	۴	۵۴	عدم امنیت اجتماعی
۵۷	۲۸	۳	۳۹	احساس تنهایی

۴) بحث

انتخاب یک جامعه محدود برای تحقیق، با توجه به ویژگی‌های خاص آن منطقه، امکان مداخله برای رسیدن به اهداف پیش‌گیری را در جامعه مورد نظر فراهم خواهد کرد؛ و ارائه یافته‌های آن به مسئولان منطقه، کاربرد پژوهش در بررسی مشکلات منطقه را عملی خواهد کرد. پژوهش‌های مشابه قبلی (در باب طلاق) همگی براساس مطالعه پرونده‌های ثبت شده دادگستری و اطلاعات حقوقی انجام شده بود و روش تکمیل پرسشنامه برای افرادی که خاطرات تجربه تلخ زندگی مشترک خود را مرور خواهند کرد، در ابتدا با نگرانی‌هایی توأم بود و آن، با امکان عدم همکاری گروه هدف بود. در حالی که همکاری نسبتاً مناسب گروه

هدف در جمع‌آوری اطلاعات، می‌تواند مطرح‌کننده این فرضیه باشد که افراد مطلقه - به خصوص در اقشار پایین جامعه - نیاز به ابراز مسائل خصوصی و بیان مشکلات خود دارند. در این بررسی بیش‌ترین گروه سنی ۲۶-۳۵ سال بوده است که با برخی مطالعات قبلی مطابقت دارد. در مطالعه تیم کاهش طلاق مستقر در دادگاه خانواده دادگستری شهر ری نیز، بیش‌ترین فراوانی مراجعان متقاضی طلاق در دامنه سنی ۲۰ الی ۳۵ سال گزارش شده است (شهربانو کامرانی، ۱۳۸۱). میانگین سنی افراد تحت مطالعه این تحقیق کم‌تر از میانگین سنی تحقیق سال ۱۳۷۸ در پرونده‌های ثبت شده دادگستری شهر تهران (منوچهر غلامحسین گودرزی، ۱۳۷۸)، و تقریباً مطابق با نتایج طرح تحقیقاتی امور اجتماعی اداره کل بهزیستی در استان آذربایجان شرقی (پریسا مقیمی نام، ۱۳۸۱) است. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر میانگین سنی هنگام طلاق در حال کاهش است که ابعاد تازه‌ای را در پرداختن به این معضل اجتماعی و نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر را مطرح می‌کند. مدت زندگی مشترک در نیمی از موارد بین ۱-۴ سال بوده است و میانگین آن ۵/۳ سال است. این یافته نیز مطابق با مطالعات قبلی (شهربانو کامرانی، ۱۳۸۱؛ ام‌البین داورپناه، ۱۳۶۶؛ پریسا مقیمی نام، ۱۳۸۱؛ بیژن شعبان‌خانی، ۱۳۷۲) است.

در این تحقیق، بین مدت زندگی مشترک با تحصیلات و شغل افراد تحت مطالعه رابطه معنی‌داری دیده نشده است، در حالی که براساس مطالعه تعیین علل طلاق و بررسی اثرات حذف علل طلاق بر طول مدت ازدواج در تهران در سال ۱۳۷۸ (منوچهر غلامحسین گودرزی، ۱۳۷۸)، سطح تحصیلات با طول مدت زندگی ارتباط داشته و سطح تحصیلات زنان مطلقه بیش‌تر از مردان بوده است.

در گروه مطالعه شده با افزایش تعداد فرزندان، میزان طلاق کاهش یافته است که با نتایج قبلی مطابقت دارد. با توجه به نتایج مطالعات قبلی و نظریه کلی جامعه (سهیلا بیگلرخانی، ۱۳۸۲) که ازدواج فامیلی را روشی برای شناخت و انتخاب بهتر می‌دانند، حدود یک چهارم افراد تحت مطالعه، با این شرایط هم ناچار به طلاق شده‌اند.

باتوجه به تفاوت‌های نوع زندگی پس از طلاق در زن و مرد، با افزایش میزان طلاق در سطح جامعه، تغییراتی در الگوی «ازدواج مادام‌العمر» به «چند ازدواج» که در فواصل آن‌ها شخص مجرد را نیز تجربه می‌کند، اتفاق خواهد افتاد و همین عامل موجب بروز تغییرات اساسی در نحوه تأمین نیازهای اجتماعی و فرهنگی افراد، بخصوص فرزندان این‌گونه خانواده‌ها، در طی زندگی خواهد شد. افزایش فروپاشی خانواده، مفاهیم ضمنی عمده‌ای را برای محیط‌هایی که بچه‌ها در آن پرورش یافته و اجتماعی می‌شوند، دربردارد.

در خصوص عوامل منجر به طلاق، با مرور منابع راجع به طلاق می‌توان به این نتیجه دست یافت که شبکه‌ای از علت‌های به هم پیوسته گرداگرد طلاق را فراگرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد که نقش و اهمیت آن‌ها در جوامع و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. نکته مهم دیگر در بررسی منابع، محدودیت تعداد مطالعات داخلی است که به پیامدهای ناشی از طلاق و اثرات مستقیم و غیرمستقیم آن در جامعه می‌پردازد. ۵۵ مطالعه در خصوص طلاق و ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی آن در قالب پایان‌نامه در سایت مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران مربوط به وزارت تحقیقات، علوم و فن‌آوری ثبت شده است که تنها دو مورد آن به عواقب طلاق پرداخته است.

در این مطالعه، عدم تفاهم اخلاقی به عنوان اولین عامل در ۵۸ مورد (۸۳ درصد) از خانوارها اشاره شده است که در ۳۴ مورد (۷۱ درصد) از آن‌ها نقش بسیار مؤثری در طلاق داشته است که با نتایج مطالعات قبلی مطابقت دارد (منوچهر غلامحسین گودرزی، ۱۳۷۸؛ حسین مددی، ۱۳۸۰). پس از آن اعتیاد با ۴۲ درصد و دخالت خانواده‌ها با ۳۳ درصد موارد در رده‌های بعدی فراوانی قرار دارند. مشکلات مالی (۳۰ درصد) و بیماری‌های روانی (۲۴ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. برخلاف برخی مطالعات (پریسا مقیمی‌نام، ۱۳۸۱)، در این مطالعه مسائل معنوی بخصوص آسیب‌های اجتماعی و مسائل فرهنگی که منجر به عدم تفاهم و دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین می‌شود نقش بسیار مهم‌تری از مسایل مادی ایفا کرده‌اند. نکته مهم دیگر وجود بیماری‌های روانی به‌عنوان یکی از عوامل مهم منجر به طلاق است؛ درحالی‌که بسیاری از این بیماری‌ها با مداخله و

مشاوره تخصصی قابل پیش‌گیری و کنترل هستند. میزان دسترسی خانواده‌ها به خدمات مشاوره‌ای و تغییر نگرش جامعه به ضرورت آن می‌تواند به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده این امر مطرح باشد.

از بین مشکلات پس از طلاق، احساس تنهایی و افسردگی (هریک با ۴۱ درصد موارد) بیش‌ترین مشکلات افراد تحت مطالعه پس از طلاق بوده‌اند. مشکلات مالی و تربیت فرزندان نیز در رده‌های بعدی فراوانی قرار دارند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات دهه ۹۰ در انگلیس مطابقت دارد (پل. ر. آماتو، ۱۹۹۸). به جز احساس افسردگی و عدم امنیت اجتماعی سایر مشکلات در زنان و مردان مشترک است. این موارد ممکن است در شرایط عادی هم برای دو جنس متفاوت باشند.

به نظر افراد مطالعه شده، بهترین راه پیش‌گیری از طلاق، انتخاب درست همسر است. آنچه مسلم است این انتخاب اگر براساس زیربنای فرهنگی و اعتقادی خانواده‌ها و توجه به مسایل معنوی و تربیتی باشد، نقش بسیار مؤثری در پیش‌گیری از طلاق دارد. ضمن این که نقش ازدواج تحمیلی در کوتاه کردن مدت زمان زندگی مشترک، نشان‌دهنده اهمیت انتخاب ارادی همسر در ایجاد تفاهم و علاقمندی برای حل مشکلات بعدی زندگی است. از سوی دیگر در سنجش و ارزیابی نحوه آشنایی زوجین با مدت زمان زندگی مشترک، نقش مهم معرف مشخص می‌شود که با ایجاد بشری برای شناخت مناسب و بهتر قبل از ازدواج توانسته است ارتباط معنی‌داری بین این موضوع و مدت زمان ازدواج طرفین ایجاد کند.

۵) نتیجه‌گیری

با توجه به مهم‌ترین عوامل منجر به طلاق که در این تحقیق و مطالعات مشابه تا حدودی قابل مقایسه هستند، عدم تفاهم اخلاقی ناشی از شناخت نامناسب طرفین، اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی نقش مهمی در فروپاشی خانواده‌ها داشته‌اند. براساس مطالعه و مقایسه این علل، برخورد زیربنایی و اساسی با این عوامل می‌بایست از قبل از ازدواج شروع شود؛

ضمن این که مشاوران در شکل‌گیری نگرش مناسب اجتماعی به ازدواج و اهمیت شناخت طرفین نقش بسیار مهمی خواهند داشت. راه‌کارهای پیشنهادی این مطالعه برای پیش‌گیری از طلاق در دو جنبه قبل و پس از ازدواج تقسیم‌بندی شده است:

۵-۱) قبل از ازدواج

راه‌کارهای این مرحله شامل این موارد است: آموزش مهارت‌های زندگی، روش‌های تصمیم‌گیری منطقی و روش‌های مقابله با بحران از دوران کودکی و اقدام به ازدواج پس از رسیدن به بلوغ روانی و کسب توانایی مالی و اقتصادی؛ توجه به آموزش‌های قبل از ازدواج و مشاوره برای انتخاب درست همسر؛ رعایت تفاوت سنی و اصول هم‌کفو بودن (سطح فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی)؛ توجه به امر تحقیق و بررسی روحیات زوجین قبل از ازدواج و حفظ استقلال تصمیم‌گیری فردی ضمن احترام به نظریات و مشاوره خانواده؛ صداقت در روابط قبل از ازدواج و صرف زمان کافی و تلاش برای شناخت کافی طرفین.

۵-۲) پس از ازدواج

راه‌کارهای مرحله دوم چنین است: تدوین برنامه‌های آموزشی در زمینه مهارت‌های ارتباطی، شیوه‌های حل مسائل، شیوه‌های ابراز عواطف در کلاس‌های آموزشی خانواده به ویژه برای زوج‌های جوان؛ بهره‌گیری از مشاوره تخصصی گروه روان‌شناسی و مددکاری برای بهبود روابط و حفظ تفاهم برای حل مشکلات خانوادگی؛ توجه به بهداشت روان خانواده و بیماریابی به منظور درمان به موقع و کنترل بیماری‌های روانی بخصوص افسردگی.

براساس شایع‌ترین مشکلات پس از طلاق در این مطالعه، مهم‌ترین روش‌های پیش‌گیری از پیامدهای فردی و اجتماعی طلاق نیز به شرح زیر، پیشنهاد می‌شوند: الف) زمینه‌سازی فرهنگی برای پذیرش اجتماعی افراد مطلقه (بخصوص زنان) و توجه به بهداشت روان این افراد و مشکلات روانی آنان؛

- ب) استفاده از نقش حمایتی والدین افراد مطلقه (به خصوص زنان) برای ارتقای سلامت روان و کیفیت زندگی؛
- ج) توجه به تغییرات اساسی در نحوه تأمین نیازهای اجتماعی و فرهنگی فرزندان این گونه خانواده‌ها؛
- د) آموزش مهارت‌های خاص مقابله با بحران فرزندان طلاق.

- ۱- آمانو، پل. ر. (۱۹۹۸). *پیامدهای طلاق برای کودکان و بزرگسالان*: مترجم: مهناز محمدی زادگان. روابط بین الملل انجمن اولیا و مربیان: چاپ اول. زمستان ۱۳۸۰.
- ۲- بیگلرخانی، سهیلا. (۱۳۸۲). *بحران در طلاق و ازدواج*. ضمیمه بهارانه همشهری.
- ۳- داورپناه، ام البنین؛ ناصری، کیومرث. (۱۳۶۶). *بررسی آماری وضعیت طلاق در شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- ۴- شعبان خانی، بیژن؛ محمودی، محمود. (۱۳۷۲). *تعیین روند ازدواج و طلاق در دوران پس از انقلاب و تعیین عوامل موثر در زمان طلاق در تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- ۵- کامرانی، شهربانو؛ اکبریور، ملیحه؛ سمیعی، ایه. (۱۳۸۱). *بررسی نتایج حاصل از آمار عملکرد شش ماهه تیم کاهش طلاق*. بهزیستی شهرستان ری.
- ۶- گودرزی، منوچهر غلامحسین؛ محمودی، محمود؛ (۱۳۷۸). *تعیین علل طلاق و بررسی اثرات حذف علل طلاق بر طول مدت ازدواج در تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- ۷- مددی، حسین؛ فکر آزاد، حسین. (۱۳۸۰). *بررسی علل تقاضای طلاق زوجین (دیدگاه اقتصادی - اجتماعی) در شهرستان اراک در نیمه دوم سال ۱۳۷۸*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- ۸- مقیمی نام. پریسا. (۱۳۸۲). *گزارشی از طلاق در آذربایجان شرقی*. پیرامون. سال دوم، شماره ۲۵، صفحه ۲۵.
- 9- Driscoll, Charles. E. (1996). **The Family Practicel Mosby.**
- 10- Kenniston, K. (1977). **All Our Children: The American Family Under Pressure.** Harcourt Brace Jovanovich. New York.
- 11- Rotheisler, T. (1977). **Alberta Report.**
- 12- Saulter, A. F. and Lugaila, T. A. (1998). **Marital Status and Living Arrangement: March 1996, CENSUS BUREAU. P20 496**